

تحلیل رهیافت‌های مفسران در تاریخ‌گذاری نزول سوره فتح

مطهره سادات طیب حسینی^۱

علی راد^۲

چکیده

درخصوص تاریخ نزول سوره فتح، میان مفسران اختلاف نظر وجود دارد. دیدگاه مشهور، نزول این سوره را در سال ششم هجری و در جریان حدیبیه می‌داند. در مقابل، برخی نزول آن را در سال هشتم و در جریان فتح مکه دانسته‌اند. از سوی دیگر، «آندریاس گورکه» (محقق آلمانی) که در پژوهشی به بازسازی گزارش عروه‌بن زبیر از واقعه حدیبیه پرداخته است، اساساً ارتباط آیات سوره فتح با صلح حدیبیه را نفی می‌کند. او بر آن است که: «در گزارش اصیل عروه نیز، نزول سوره فتح ذکر نشده و در واقع، از زمان این اسحاق و واقعی در قرن سوم، میان صلح حدیبیه و نزول این سوره ارتباط برقرار شده است.» در مقاله حاضر، با روش توصیفی-تحلیلی، رهیافت‌ها درخصوص زمان نزول سوره فتح بررسی و ارزیابی شده است. در نتیجه این پژوهش، با استناد به احادیث معتبر، سبب نزول، مضمون آیات و سیاق سوره و هم‌چنین تناسب آن با موقعیت تاریخی واقعه حدیبیه، دیدگاه «نزول سوره در بازگشت از حدیبیه»، به عنوان قول مختار پذیرفته شده است.

واژگان کلیدی: تاریخ‌گذاری، اسباب نزول، سوره فتح، صلح حدیبیه، فتح مکه.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد پردیس فارابی و دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم، mst.hosseini@chmail.ir

۲. دانشیار پردیس فارابی، دانشگاه تهران، ali.rad@ut.ac.ir

مقدمه

تاریخ‌گذاری سوره قرآن کریم، از مباحث نوآمد علوم قرآنی و مورد توجه قرآن‌پژوهان است. این‌کار فواید ارزشمندی دارد؛ از جمله: دست‌یابی به تفسیر دقیق‌تر و صحیح‌تر سوره‌های قرآن در پرتو شناخت زمان و شأن نزول حقیقی آن‌ها، دریافت سیره صحیح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و همچنین تصحیح برخی روایات گوناگون و گاه متناقض در حوزه تاریخ و شأن نزول سوره (ر.ک: نکونام، ۱۳۸۰: ۵-۸). یکی از سوره‌هایی که تشخیص تاریخ نزول آن از میان انبوه روایات تفسیری، با مشکل ابهام روبه‌روست، سوره فتح است. برخی گزارش‌ها نشان می‌دهد که این سوره بعد از نزول آیه ۹ احقاف و در پی شماتت یهودیان نازل شده است. تعدادی از مفسران براساس روایتی از امام رضا علیه السلام، نزول سوره را بعد فتح مکه دانسته‌اند. برخی دیگر نیز برآن‌اند که سوره در جریان صلح حدیبیه و در مسیر بازگشت از مکه به مدینه، نازل شده است. در این پژوهش سعی می‌شود، با بررسی گزارشات مختلف، پاسخ برخی سؤالات مهم در این راستا مشخص گردد؛ از جمله: زمان نزول سوره فتح به لحاظ روایی، تاریخی و اجتهادی کدام است؟ سیاق سوره با کدام واقعه تاریخی ارتباط بیشتری دارد؟

مقاله حاضر، با روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر سیاق و تاریخ، به بررسی روایات زمان نزول سوره فتح و آراء مفسران شیعه و اهل سنت در این باره، می‌پردازد تا از این رهگذر، به دریافتی دقیق‌تر از زمان نزول سوره فتح دست یابد. برای این منظور، تلاش می‌شود از میان روایات و آرای مفسران، آن‌که بیشترین تطابق و هماهنگی را با سیاق سوره دارد، انتخاب گردد. همچنین دیدگاه خاورشناسانی چون «آندریاس گورکه»^۱ در مقاله «روایت تاریخی حدیبیه؛ پژوهشی درباره گزارش عروبه بن زبیر»، مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌گیرد. در این پژوهش، ابتدا پس از بازایی داده‌های روایی از منابع روایی، تفسیری و تاریخی سیره نبوی صلی الله علیه و آله، رهیافت‌ها درخصوص سبب نزول سوره در این باره تبیین و مستندات هریک بیان و ارزیابی می‌گردد. در ادامه، ذیل رهیافت‌هایی که مورد اعتماد مفسران قرار گرفته، اقوال مفسران و آیات مورد استناد ایشان ذکر و شواهد تاریخی آن بیان می‌شود. آن‌گاه دیدگاه آندریاس گورکه در بازایی روایت حدیبیه و بررسی ارتباط سوره با جریان حدیبیه، به بوته سنجش گذاشته می‌شود. بخش پایانی مقاله نیز به تبیین دیدگاه منتخب

۱. محقق آلمانی و مدرس ارشد مطالعات اسلامی در دانشگاه ادینبورگ اسکاتلند؛ ۱۹۶۹م، Andreas Gorke.

در تاریخ‌گذاری سوره اختصاص دارد، که از میان رهیافت‌های ارزیابی شده، آن‌که مستندات روایی و دلایل تفسیری قوی‌تر و با سیاق سوره تطابق و هماهنگی بیشتری داشته باشد، انتخاب می‌گردد.

ادبیات تحقیق

۱. تاریخ‌گذاری

این واژه در لغت به معنای تعیین تاریخ برای پدیده‌ها، اشیاء، رویدادها یا مانند آن به کار می‌رود (انوری، ج ۳، ص ۱۵۶۹). و معادل لاتین آن «کرونولوژی (Chronology)» است. هرگاه این کلمه به قرآن اضافه شود منظور، تعیین مقطع زمانی نزول آیات و سوره قرآن کریم است (اسکندریو، ۱۳۸۵: ۳۳). به دیگر سخن، تاریخ‌گذاری قرآن آن است که به کمک روایات مختلف مکی و مدنی، اسباب نزول، ترتیب نزول، ناسخ و منسوخ و تاریخ پیامبر ﷺ و بهره‌گیری از تلویحات یا تصریحاتی که در قرآن راجع به رویدادهای زمان مند تاریخ رسالت آن حضرت وجود دارد، زمان و ترتیب تاریخی هریک از واحدهای نزول قرآن، اعم از یک سوره تمام یا بخشی از یک سوره، شناسایی و معین گردد (نکونام، ۱۳۸۰: ۲).

۲. پیشینه

تا کنون کتب و مقالات زیادی، هم درخصوص قواعد تاریخ‌گذاری به طور عام و هم در زمینه تاریخ‌گذاری سوره‌هایی از قرآن به طور خاص، توسط پژوهشگران مسلمان و خاورشناسان تحقیق و تألیف شده است (برای نمونه رک: نکونام، ۱۲-۴۱). در سال‌های اخیر این دانش در ایران رونق روزافزونی گرفته و مقالات فراوانی به زبان فارسی در تاریخ‌گذاری برخی سوره‌های قرآن منتشر شده است؛ از جمله: «تاریخ‌گذاری سوره اعراف و نقد روایات ترتیب نزول آن» (کوهی، علی‌رضا، مشکات، شماره ۱۱۷)، «بازخوانی انتقادی روایات ترتیب نزول (مطالعه موردی سه سوره منافقون، نور و احزاب)» (کلباسی، زهرا و احمدنژاد، امیر، کتاب قیم، شماره ۲۰)، «تاریخ‌گذاری سوره قدر با تأکید بر مکی و مدنی بودن سوره» (عشریه، رحمان و همکاران، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۹۳).

درباره سوره فتح نیز مقاله‌ای با عنوان «کشف استدلالی ترتیب نزول سوره فتح با روش روایی-

اجتهادی» (خامنه‌گر، محمد، معارج، سال ۱۳۹۵، شماره ۳) انتشار یافته است. مقاله اخیر با استفاده از روایات ترتیب نزول، شواهد درونی سوره و سوره‌های دیگر، به بررسی جایگاه نزولی سوره پرداخته، آن را در رتبه ۹۳ جدول ترتیب نزول قرار داده است. تفاوت تحقیق حاضر با مقاله پیش‌گفته، در تحلیل و ارزیابی روایات می‌باشد. به عبارت دیگر، مسئله پژوهش در مقاله مورد اشاره، بررسی جایگاه نزول سوره بر محور روشی جدید بوده و مؤلف آن، به تحلیل و ارزیابی روایات سبب نزول نپرداخته، اما مسئله مقاله حاضر، بررسی گزارشات سبب نزول سوره فتح می‌باشد. بر این اساس، علاوه بر دلایل بیرون‌متنی چون روایات ترتیب نزول، به گزارشات تاریخی و روایات اسباب نزول و کتب سیره پیامبر ﷺ و نیز شواهد درون‌متنی یعنی آیات سوره فتح نیز استناد شده است. تفاوت دیگر پژوهش حاضر با مقاله مذکور، بررسی، نقد و ارزیابی دیدگاه یکی از خاورشناسان به نام «گورگه» درخصوص تاریخ نزول سوره فتح می‌باشد.

رهیافت‌ها در زمان نزول سوره فتح

سوره فتح، سوره چهل هشتم قرآن در مصحف شریف و طبق برخی روایات ترتیب نزول، در رتبه یکصد و یازدهمین سوره است که بعد از سوره تغابن و قبل از سوره توبه نازل شده و ۲۹ آیه دارد (ر.ک: زرکشی، ۱۴۱۰/۱: ۲۸۱). از بررسی روایات و گزارشات تاریخی سیره پیامبر اکرم ﷺ، سه دلیل، زمان و مکان برای نزول سوره فتح به دست می‌آید: ۱. سبب، شماتت یهودیان پس از نزول آیه ۹ سوره احقاف؛ زمان، پس از بازگشت پیامبر ﷺ از صلح حدیبیه؛ مکان، مدینه؛ ۲. سبب، زمان و مکان، جریان فتح مکه (بر مبنای روایتی از امام رضا ﷺ)؛ ۳. سبب، واقعه حدیبیه؛ زمان و مکان، مسیر بازگشت از حدیبیه.

رهیافت اول: نزول سوره در مدینه پس از بازگشت از صلح حدیبیه

برخی، سبب نزول سوره فتح را شماتت یهودیان و کفار مکه در پی نزول آیه ۹ سوره احقاف دانسته‌اند. در این باره روایات ذیل قابل توجه است:

۱. واحدی در اسباب‌النزول، روایت زیر را نقل کرده است:



«عطاء از ابن عباس روایت می‌کند که چون آیه ۹ سوره احقاف نازل شد، یهودیان، پیامبر ﷺ و مسلمانان را به شتمات گرفتند که چگونه می‌توان از مردی پیروی کرد که «نمی‌داند چگونه با او رفتار خواهد شد؟» و این زخم‌زبان و شتمات بر پیامبر سخت آمد تا آن‌که سوره «اِنَّا فَتَحْنَا» نازل گردید» (واحدی، ۱۴۱۲: ۳۲۱-۳۲۱).

۲. مقاتل بن سلیمان درباره سبب نزول سوره فتح، نقل کرده است:

«زمانی که در مکه آیه ۹ سوره احقاف نازل شد، کفار خوشحال شدند و گفتند: قسم به لات و عزی! که این سخنان محمد است! اگر این‌ها سخن خدا بود، از این‌که بر او و ما چه خواهد رفت باخبرش می‌ساخت، همان‌طور که خدا با سلیمان بن داوود و عیسی بن مریم چنین کرد؛ اما محمد نمی‌داند چه بر سر او و ما می‌آید! با این شتمات کفار، نزول آیه ۹ احقاف بر مسلمانان سخت آمد... تا زمانی که به مدینه هجرت کردند. عبدالله بن اُبی رئیس منافقان گفت: چگونه از مردی تبعیت می‌کنید که نمی‌داند خداوند با او و با پیروانش چه می‌کند؟! پس خدای تعالی در مدینه و بعد از بازگشت از حدیبیه، «اِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا» را بر پیامبر ﷺ نازل کرد» (مقاتل، ۱۴۲۳: ۴/۶۵).

ارزیابی

زمان نزول سوره فتح در هر دو روایت «بعد از صلح حدیبیه» گفته شده؛ با این تفاوت که در روایت نخست، به دنبال شتمات یهودیان و مطابق روایت دوم، در پی شتمات کفار مکه نسبت به پیامبر و مسلمانان، بیان گردیده است. درباره این دو روایت باید گفت: اولاً، هیچ‌یک از دو روایت را نمی‌توان به عنوان سبب نزول سوره فتح پذیرفت، زیرا به اتفاق نظر مفسران، سوره احقاف شصت و ششمین سوره بوده و در مکه نازل شده (نک: طبرسی، ۱۳۷۳: ۱۰/۴۰۵؛ سیوطی، ۱۴۲۱: ۱/۵۸-۶۰؛ دروزه، بی‌تا؛ ۷/۵؛ معرفت، ۱۳۸۱: ۹۱) و سوره فتح مدنی است (همان‌جاها و دروزه، بی‌تا؛ ۸/۵۷۵)؛ مگر آن‌که قائل شویم میان شتمات یهودیان و نزول سوره فتح حدود ده سال فاصله شده است. ثانیاً، روایت نسبت به زمان دقیق نزول ساکت و موضوع اصلی آن، شتمات یهود و دلگرمی خداوند به مومنان بوده و تنها به نزول سوره فتح بعد از احقاف اشاره شده است، نه این‌که بلافاصله پس از آن نازل شده باشد. همان‌طور که ابن جوزی می‌گوید، واحدی این روایت را از عطا از ابن عباس بدون سند آورده و متن

آن نیز به دلیل فاصله زمان نزول و دو سوره باطل است (نک: ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۴/۱۲۵). ثالثاً، چنان که اشاره شد، به دلیل حضور یهودیان، شماتت آن‌ها مربوط به دوره بعد از هجرت است. در هر صورت، ارتباط دادن آیه احقاف به ماجرای نزول سوره فتح، از قبیل جری و تطبیق است. چنین شماتتی، بر فرض وجود، باید مدتی قبل از حرکت پیامبر اکرم ﷺ به سمت حدیبیه انجام گرفته باشد؛ در نتیجه، این روایت منافاتی با نزول سوره در حدیبیه یا هنگام بازگشت از آنجا ندارد.

بنابراینچه گفته شد و از آنجا که هیچ‌یک از آیات سوره اشاره‌ای به این جریان و شماتت یهود ندارد، ممکن است گزارش مذکور به فرض صحت سند، مربوط به شأن نزول سوره باشد نه سبب نزول آن، چرا که شأن نزول مفهوم عام‌تری دارد و شامل روایات مرتبط با نزول آیات، تطبیق و پیشینه نزول و... می‌شود (ر.ک: خامه‌گر، ۱۳۹۵: ۳۷، ۳).

رہیافت دوم: نزول سوره بعد از فتح مکه

رہیافت دوم این بود که سوره فتح بعد از فتح مکه نازل شده است، نه صلح حدیبیه. دلایل روایی این رہیافت عبارت‌اند از:

شریف لاهیجی به استناد روایتی از امام رضا ﷺ می‌گوید: سوره فتح بعد از فتح مکه نازل شده است. وی ابتدا سخن گروهی از مفسران را چنین نقل کرده است:

«جمعی از مفسران معتقدند، مراد از این فتح (در آیه نخست سوره)، فتح مکه است و گفته‌اند: چون وقت نزول آیه هنوز شهر مکه فتح نشده بود، پس تعبیر به ماضی، اشاره به تحقق وقوع آن است. همچنین گفته‌اند: مراد از «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا» این است که ما حکم کردیم به فتح مکه برای تو، حکمی هویدا».

لاهیجی سپس در نقد این دیدگاه می‌نویسد:

«اما این در صورتی است که نزول آیه قبل فتح مکه واقع شده باشد، حال آن‌که از حدیث حضرت امام رضا ﷺ برمی‌آید که نزول آیه بعد از فتح مکه بوده است. در این روایت آمده است که حضرت فرمودند: «آن هنگام که خداوند مکه را بر پیغمبرش ﷺ فتح کرد، به او گفت: ای محمد! «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا» (کلینی، ۱۴۲۹: ۸/۵۷۰؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱/۲۰۲)؛ و از این حدیث نیز بطلان قول جمعی که این فتح را به فتح خیبر یا قلاع دیگر حمل کرده‌اند، مستفاد می‌گردد» (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ۴/۱۸۵).

وی همچنین در تفسیر آیه «لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ» (فتح: ۲)، ذنب را بنابر بعضی احادیث، گناهان حضرت در نظر مشرکین قریش دانسته و می‌گوید: بنابر روایتی، امام رضا علیه السلام در مجلس مامون، در توجیه آیه «لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ...» درخصوص ذنب منسوب به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: احدی نزد مشرکین مکه از پیامبر صلی الله علیه و آله گناه کارتر نبود، زیرا مشرکان مدت‌ها سیصد و شصت بت را می‌پرستیدند و چون آن حضرت آنان را به توحید دعوت نمود، گفتند: «أَجْعَلِ الْأَلِهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عُجَابٌ» (ص: ۵)؛ آیا او چندین خدای ما را منحصر به یک خدا کرده (و به معبود یگانه دعوت می‌کند)؟ این بسیار حیرت‌انگیز است». جمعی از آن‌ها قبل از فتح مکه مسلمان شده و از آن‌جا هجرت کرده بودند؛ بعضی نیز در وقت فتح، قادر بر انکار کلمه توحید نبودند. پس حق تعالی بر ایشان ظاهر گردانید که آن حضرت را گناهی نبوده است. بنابراین، معنی غفران، ظاهر گردانیدن بی‌گناهی آن حضرت بر کفار قریش است، چه قبل از فتح و چه بعد از آن (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ۴/۱۸۵ و ۱۸۶).

دیگر مؤید این دیدگاه، روایت ابی‌بن کعب از حضرت محمد صلی الله علیه و آله است، که آن حضرت فرمودند: «هرکس این سوره را قرائت کند، مانند آن است که با پیامبر خدا در فتح مکه شرکت داشته است» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۹/۱۶۵). علت استناد روایت مذکور این است که فتح مکه در سوره موضوعیت دارد و می‌تواند قرینه‌ای بر مدعای نزول آن در جریان فتح مکه باشد.

ارزیابی

در تحلیل این دیدگاه باید گفت: اولاً، در کنار روایت وارده از امام رضا علیه السلام، گزارشات دیگری مبنی بر قرائت سوره بعد از فتح مکه نقل شده، مانند روایتی که ابن قتیبه در تفسیر خود به نقل از عبدالله بن مغفل، چنین آورده است: پیامبر صلی الله علیه و آله در روز فتح مکه سوره فتح را قرائت کرد. (ابن قتیبه، بی‌تا: ۳۵۶). همچنین روایت شده است: «پیامبر وارد مکه شد درحالی که سوره فتح را بر روی مرکب خود قرائت می‌کرد» (ابن عاشور، بی‌تا: ۲۶/۱۲۲-۱۲۳). بر این اساس ممکن است، منظور امام رضا علیه السلام نیز قرائت سوره فتح بعد از فتح مکه باشد.

ثانیاً، شریف لاهیجی با وجود این که نزول سوره را در فتح مکه می‌داند، برخی آیات این سوره را مرتبط با صلح حدیبیه تفسیر کرده است که به نوعی نشان می‌دهد، بخش نخست سوره در جریان

فتح مکه و بخشی از آیات سوره نیز در جریان صلح حدیبیه نازل شده است. برای مثال آیات ۱۰ تا ۱۲ را به بیعت رضوان در حدیبیه و آیه ۱۵، ۱۶ و ۱۸ را در مورد اعراب بادیه نشین می‌داند که دعوت پیامبر به جهاد را رد کردند و از ترس قریش، به بهانه مال و اولاد، از امر پیامبر اکرم ﷺ در سفر حدیبیه تخلف ورزیدند. وی ذیل آیه ۱۵ می‌گوید: «زود باشد که بازماندگان از حدیبیه، بگویند هرگاه شما به سوی غنیمت‌های خبیر بروید، بگذارید ما هم با شما بیاییم، می‌خواهند سخن خدا و حکم او را مبدل گردانند.» سپس ذیل آیه «قُلْ لِلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ» (فتح، ۱۶) می‌گوید: «بگو ای محمد! این بادیه‌نشینان بازمانده از جنگ، به زودی به جنگ با گروهی مثل اهل حنین و طایف فراخوانده می‌شوند» (همان: ۱۹۴). از تفسیر این آیه معلوم می‌شود که خداوند به پیامبر خبر می‌دهد، به زودی بعد از بازگشت از حدیبیه، متخلفان حنین می‌گویند و تو به آنان بگو، نمی‌توانند در جنگ خبیر و گرفتن غنایم آن شرکت کنند. بر این اساس، سوره فتح باید پس از صلح حدیبیه نازل شده باشد، نه فتح مکه، زیرا در حوادث مربوط به سبب نزول، معمولاً آیه باید به فاصله اندک از حادثه نازل شده باشد؛ مگر قرینه‌ای خلاف آن پیدا شود. بر مبنای این اصل، نزول هر سوره قرآن، به‌گونه‌ای است که واکنش مناسبی به پرسش‌ها یا مشکلات پیش‌آمده برای پیامبر ﷺ و مسلمانان باشد و روش مواجهه با این حوادث را به آن‌ها بیاموزد (ر.ک: خامه‌گر، ۱۳۹۵: ۳/۳۷).

ثالثاً، ذیل آیه ۲۴، در تناقض با سخن پیشین خود می‌گوید: نزول سوره قبل از فتح مکه بوده است (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۲۰۰).

رابعاً، روایت ابی بن کعب نیز نسبت به نزول سوره در فتح مکه ساکت است. با فرض صحت، چنین برمی‌آید که سوره ناظر به فتح مکه است و این منافاتی با نزول آن بعد از صلح حدیبیه ندارد، زیرا در واقع صلح حدیبیه، کلید فتح‌های بعدی رسول خدا ﷺ بوده است.

خامساً، لاهیجی «فتح» را در آیه «حکم کردن» و در روایت «فتح کردن» معنا کرده است، در صورتی که اگر فتح در روایت نیز فتح کردن و گشودن نبوده بلکه به معنای حکم کردن باشد، این روایت امام رضا ﷺ بر نزول سوره قبل از فتح مکه و دقیقاً حدیبیه دلالت می‌کند، زیرا حکم خدا بر فتح مکه، بعد از صلح حدیبیه بود و چون آیه ناظر به فتح مکه است، امام ﷺ فرمود: «قَلْنَا فَتَحَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيَّ نَبِيِّهِ (صلی الله علیه وآله) مَكَّةَ قَالَ لَهُ يَا مُحَمَّدُ إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ مَكَّةَ فَتَحْنَا مُبِينًا»

ادله اجتهادی

به جز شریف لاهیجی، برخی دیگر از مفسران نیز «فتح» در آیه اول را به فتح مکه تفسیر کرده‌اند، اما هیچ‌یک از آن‌ها زمان نزول آیه اول و دوم سوره فتح را در سال هشتم و در فتح مکه نمی‌دانند (برای نمونه رک: جصاص، ۱۴۰۵/۵: ۲۷۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷/۴: ۳۳۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰/۲۸: ۶۵؛ بیضاوی، ۱۴۱۸/۵: ۱۲۶).

رهیافت سوم: نزول سوره بعد از بازگشت از صلح حدیبیه در مسیر بین مکه و مدینه

نظر غالب مفسران بر این دیدگاه استوار گردیده که سوره فتح بعد از صلح حدیبیه و در مسیر بازگشت پیامبر اکرم ﷺ از مکه به مدینه نازل شده و غالباً سوره فتح بر محور این رهیافت تفسیر گردیده است. از مفسران متقدم می‌توان از ابن قتیبه، نحاس، قمی، شیخ طوسی و... یاد کرد و در بین متأخران نیز به طباطبایی، مکارم شیرازی، دروزه، ابن عاشور و... اشاره نمود. در ادامه، ادله ایشان ارزیابی می‌شود.

۱. ادله روایی

مستند روایی رهیافت سوم، روایاتی از صحابه و تابعان به شرح زیر است:

یک. روایت ابن مسعود (۳۲م ق) که می‌گوید:

«هنگام بازگشت رسول خدا ﷺ از حدیبیه، دیدیم که مرکب حضرت از سرعت خود کاست، نزدیک شدیم و از نزول سوره «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا» بر حضرت آگاه شدیم» (طبرسی، ۱۳۷۲/۹: ۱۲۵؛ حویزی، ۱۴۱۵/۵: ۴۷).

دو. روایت مجمع‌بن جاریه انصاری^۱ که می‌گوید:

«در حدیبیه همراه پیامبر بودیم؛ زمانی که از اعمال حج ما جلوگیری شد، راه بازگشت، برخی از مردم گفتند بر رسول خدا وحی شده است. با سرعت نزد پیامبر آمده، ایشان را در کراع الغمیم یافتیم که بر مرکبش ایستاده، سوره «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا» را بر مردم قرائت می‌کرد. عمر پرسید: آیا این (صلح حدیبیه) فتح است؟ پیامبر فرمود: بله، سوگند به کسی که جانم در دست اوست، آن

۱. در برخی نسخه‌ها مجمع‌بن حارثه انصاری نوشته شده است (رک: الکشف والبيان عن تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۱۴۲؛ ابن کثیر، ج ۷، ص ۳۰۲).

فتح است» (ابن ابی شیبه، ۱۴۲۲: ۲۷۸؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۵/۴۸؛ طباطبایی، ۱۸: ۳۹۵؛ طبری، ۲۶/۴۵).
مضمون این روایت از انس بن مالک (طبرسی، ۱۳۷۲: ۹/۱۶۵)، مسور و مروان (سیوطی، ۱۴۰۴: ۶/۶۹) و عمر (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۷/۳۰۲) نیز گزارش شده است.

سه. از جابر بن عبدالله انصاری (۶۸مق) که در حدیبیه حضور داشت:
«ما برای فتح مکه آماده نشدیم مگر در روز حدیبیه» (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۹/۴۱).
چهار. از براء بن عازب (۷۱مق) نیز گزارش شده:
«شما فتح را فتح مکه می دانید، درحالی که ما آن را بیعت رضوان در روز حدیبیه می دانیم که همراه رسول الله بودیم...» (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۷/۳۰۲). مضمون این خبر از ابن مسعود نیز نقل شده است (همان).

پنج. در گزارشی از شعبی نقل شده که فتح در آیه «أَنَا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا» به معنی صلح حدیبیه است (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۹/۴۲).
شش. از عروه گزارش شده:

«در راه بازگشت رسول خدا ﷺ از حدیبیه، مردی از اصحاب گفت این فتح نبود، ما را از طواف خانه خدا منع کردند و قربانی خود را بازگرداندیم. رسول خدا در حدیبیه اقامت کرد. خبر به گوش پیامبر رسید و حضرت فرمود: بد سخنی است. این بزرگترین پیروزی هاست. مشرکین به این راضی شدند که شما را در راحتی (بدون آزار و سختی) بازگردانند، با شما پیمان صلح بستند و راغب شدند به این که سال آینده برگردید. شما اکراه دارید، درحالی که خدا شما را ظفر داد بر آن ها... پس سوره فتح نازل شد» (سیوطی، ۱۴۰۹: ۶/۶۸).

ارزیابی

مستندات روایی به مراتب بیشتر، از امتیازات دیدگاه سوم نسبت به دو دیدگاه قبل محسوب شده و دلیل بر شهرت آن است. این روایات از پنج صحابی حاضر در حدیبیه (ابن مسعود، عمر بن خطاب، براء بن عازب، مجمع بن جاریه انصاری و جابر بن عبدالله انصاری) و پنج تابعی (مجاهد، شعبی، قتاده، انس بن مالک و عروه بن زبیر) روایت شده اند.
بسیاری از گزارشات حدیبیه که از طریق کتب تاریخی و سیره به ما رسیده، بر پایه روایت عروه بن

زبیر که خود از مسور بن مخرمه و مروان بن حکم نقل می‌کند شکل گرفته است، ولی فراوانی یک گزارش تاریخی، لزوماً صحت و کامل بودن آن گزارش را تأیید نمی‌کند. چه این‌که ممکن است فراوانی در اثر تدریس و انتشار توسط شاگردان انجام شده باشد. به علاوه، عروه در منابع رجالی، ثقه معرفی نشده است.

در مجموع این گزارشات، تفاوت‌ها و تعارض‌های جزئی وجود دارد، از جمله، نزول کل سوره یا بخشی از آن، که ممکن است در اثر نقل به معنای وجود آمده باشد. اختلاف دیگر، نزول سوره در «حدیبیه» یا در «کراع الغمیم» است، مطلب مشترک و قطعی که در تمام گزارش‌ها دیده می‌شود، نزول آیات یک و دو سوره فتح در میانه‌ی مسیر بازگشت از مکه و پس از صلح حدیبیه است.

۲. ادله اجتهادی

بررسی متن سوره نشان می‌دهد که هیچ‌کدام از آیات آن، صراحتاً اشاره‌ای به صلح حدیبیه یا فتح مکه یا فتح خیبر ندارد تا بتوان با قطعیت به اثبات دیدگاهی اقدام کرد. برخی از مفسران متقدم، هیچ‌یک از آیات سوره را در ارتباط با حدیبیه تفسیر نکرده‌اند (برای نمونه رک: ابو حمزه ثمالی، ۱۴۲۰: ۱/ ۳۰۷-۳۰۹؛ تستری، ۱۴۲۳: ۱/ ۱۴۷؛ ابوعبیده، ۱۲۸۱: ۲/ ۲۱۷). لیکن با این وجود، برخی آیات این سوره مؤیدی بر ارتباط آن با واقعه حدیبیه است که می‌تواند ارتباط نزدیک سوره با وقایع حدیبیه را تقویت کند. اکثر قریب به اتفاق مفسران، آیات سوره را در ارتباط با صلح حدیبیه تفسیر کرده‌اند. حتی آنان‌که آیه اول سوره را به فتح مکه یا فتح خیبر تفسیر کرده‌اند، آیات بیعت و متخلفان از حدیبیه و... را در شأن حدیبیه می‌دانند.

از میان مفسران متقدم، فراء از مفسران قرن دوم، «فتح» در آیه نخست را به معنی صلح حدیبیه و همچنین آیه ۱۱ سوره فتح را در مورد اعراب بادیه‌نشین می‌داند که از همراهی پیامبر در جنگ حدیبیه سرباز زدند، چراکه گمان نمی‌کردند پیامبر از جنگ بازگردد (فراء، بی‌تا: ۳/ ۶۵). او آیات ۱۵ و ۲۴ را نیز در ارتباط با بیعت رضوان تفسیر کرده است (همان: ۶۷). ابن قتیبه بر آن است که «فتح» در آیه اول سوره به معنای صلح حدیبیه است (ابن قتیبه، بی‌تا: ۱/ ۳۵۵). تستری آیه ۱۰ را مربوط به بیعت رضوان می‌داند (تستری، ۱۴۲۳: ۱/ ۱۴۸). جصاص از مفسران قرن پنجم، آیه ۱۸ را درباره بیعت رضوان دانسته و ذیل آیه ۲۴ می‌نویسد: مشرکین چهل نفر را برای جنگ به سوی مسلمانان فرستادند، اما

خدا دست آنان را کوتاه کرد (جصاص، ۱۴۰۵: ۵/ ۲۷۳). قشیری آیه ۱۰ را درباره بیعت زیر درخت سمروه و در جریان حدیبیه تفسیر کرده است (قشیری، بی تا: ۴۱۷/ ۳).

آیاتی از سوره که به جریان حدیبیه مربوط است:

۱. آیه نخست سوره فتح

غالب مفسران، «فتح» در این آیه را به صلح حدیبیه تفسیر کرده‌اند و آن را مهم‌ترین آیه‌ای می‌دانند که احتمال نزول سوره در مسیر بازگشت از حدیبیه را تقویت می‌کند. مستندات روایی ایشان عبارت است از:

ابن مسعود می‌گوید: شما «فتح» را فتح مکه می‌انگارید، در حالی که ما آن را صلح حدیبیه می‌دانیم (طبری، ۱۴۱۲: ۱۱/ ۳۳۲).

براء بن عازب می‌گوید: ما فتح را بیعت رضوان در روز صلح حدیبیه می‌دانیم (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰۳-۱۰۵؛ بخاری، کتاب المغازی، باب ۳۵).

شعبه از قتاده و او به نقل از انس بن مالک (بغوی، ۱۴۲۰: ۴/ ۲۲۲)، نیز فزأء (۱۹۸۰م: ۶۴/ ۳)، مقصود از فتح در آیه را صلح حدیبیه می‌دانند.

طبرسی در بیان علت تفسیر «فتح» به صلح، می‌نویسد: «صلح حدیبیه، فتحی بدون درگیری و جنگ بود. فتح، گاهی صلح و در لغت به معنی گشایش چیزی است که بسته باشد. صلحی که در حدیبیه با مشرکین به دست آمد، در بن بست بود تا این که خداوند آن روز صلح را از بن بست بیرون آورده و گشایش داد» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰۳-۱۰۴). او همچنین از زهری نقل می‌کند: «فتوحی مهم‌تر از صلح حدیبیه نبود، زیرا مشرکین در جریان این صلح با مسلمین درآمیختند و سخنان و منطقی آنان را شنیدند و اسلام در دل‌هایشان نفوذ کرد» (همان).

طباطبایی (صاحب‌المیزان)، مبین بودن صلح را مؤید این نظر می‌داند که صلح حدیبیه، مقدمه تمام پیشرفت‌های مورد اشاره در سوره بوده و این سرنوشت، روشن‌ترین پیروزی است که خدا نصیب پیامبرش کرد. آن‌گاه در سال هشتم رسول خدا ﷺ درحالی برای فتح مکه حرکت کرد که به جای ۱۴۰۰ نفر در صلح حدیبیه، ۱۰ یا ۱۲ هزار نفر لشکر داشت (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸/ ۳۷۹).

ابن‌عاشور نیز غرض سوره را بشارت مومنین به حسن عاقبت صلح حدیبیه بیان می‌دارد که در پیروزی‌های بعدی نصیب مسلمانان شد و نهایت آن فتوحی عظیم (فتح مکه) بود... (ابن‌عاشور،

بی‌تا: ۱۲۱/۲۶). وی می‌افزاید: جمهور، مراد از فتح را صلح حدیبیه و اطلاق آن را مجاز مرسل می‌داند، به اعتبار این‌که صلح، به فتح خیبر و مکه منجر می‌شود (همان: ۱۲۱-۱۲۲).

۲. آیه دهم سوره فتح

«إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَتَ فَإِنَّمَا يَنْكُتُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمَسِيئَتِهِ أَجْرًا عَظِيمًا».

غالب مفسران، بیعت در این آیه را به بیعت رضوان در حدیبیه تفسیر کرده‌اند (رک: فراه، بی‌تا: ۱۳/۶۴؛ جصاص، ۱۴۰۵/۵؛ ۲۷۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲/۴؛ ۱۳۶؛ قرشی، ۱۳۷۷/۱۰؛ ۲۳۱؛ ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸؛ ج: ۱۷، ص: ۳۳۰؛ صادقی تهرانی، ۱۴۱۹/۲۷؛ ۱۶۹؛ ابن عاشور، بی‌تا: ۱۳۳/۲۶؛ بلخی، ۱۴۲۳؛ ۷۰/۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷/۱۸؛ ۲۷۴).

ناگفته نماند، طبق برخی گزارشات، بیعت پیش از انعقاد صلح و در پی فرستادن عثمان به مکه و براساس برخی گزارشات نیز پس از انعقاد پیمان‌نامه انجام شد.

۳. آیه یازدهم سوره فتح

«سَيَسْأَلُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شِعْلَتَنَا أَمْوَالَنَا وَ أَهْلُونَا فَاسْتَعِزُّ لَنَا يَقُولُونَ بِآلِسْتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ...».

از نظر برخی مفسران، آیه یازدهم در مورد اعراب بادیه‌نشین و قبایل اطراف مدینه است که با بهانه جوی‌های متفاوت، از همراهی با پیامبر ﷺ در سفر به مکه که منتهی به صلح حدیبیه شد، سرباز زدند (رک: طبرسی، ۱۳۷۲؛ ۱۷۵/۹؛ فراه، بی‌تا: ۱۶۵/۵؛ قمی، ۱۳۶۷/۲؛ ۳۱۶؛ بحر العلوم، بی‌تا: ۳۱۴/۳؛ طوسی، بی‌تا: ۳۲۱/۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷؛ ۴/۳۳۶).

۴. آیه‌های پانزده و شانزده سوره فتح

«سَيَسْأَلُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انْطَلَقْتُمْ إِلَىٰ مَعَانِمٍ لِّتَأْخُذُوهَا ذُرُوعًا نَتَّبِعْكُمْ يُرِيدُونَ أَن يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ قُل لَّنْ تَنْبَغُونَا كَذَٰلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلِ فَسَيَقُولُونَ بَلْ عَشَدُّونَنَا بَلْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا (۱۵) قُل لِّلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سُدُّعُونَ إِلَىٰ قَوْمٍ أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ تُقَاتِلُونَهُمْ أَوْ يُسَلِّمُونَ فَإِن تَطِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا وَإِن تَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِّن قَبْلِ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (۱۶)».

خداوند متعال در آیه ۱۵ این سوره، خبر از آینده نزدیک می‌دهد که مؤمنین به زودی جنگی می‌کنند که در آن، فتح و غنیمت‌های فراوان عایدشان می‌گردد و آن‌هایی که تخلف کردند، پشیمان شده، اجازه می‌خواهند در جنگ بعد آیند تا از غنیمت بهره‌مند شوند. برخی به قرینه

ادامه آیه که می‌گوید «می‌خواهند سخن خدا را دگرگون کنند، ای پیامبر، به آنان بگو شما هرگز از پی ما نخواهید آمد»، آن را جنگ خیبر می‌دانند. خداوند با این آیه، غنایم جنگ خیبر را مختص کسانی می‌داند که در حدیبیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را همراهی کردند (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸/ ۲۸۰، ابن عاشور، بی‌تا، ۱۴۱/۲۶؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۷/ ۳۱۴).

در آیه شانزدهم، خداوند در ادامه پاسخ به متخلفان از حدیبیه، آنان را به آزمونی دوباره دعوت می‌کند که نشان‌دهنده نزول آیه در متن رویداد حدیبیه است. به احتمال این قوم اهل طائف یا اهل حنین یا... باشند که جنگ با آنان پس از جریان حدیبیه و پیش از فتح مکه انجام شد (ر.ک: ابن عاشور، همان جا؛ فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۲۸/ ۷۵؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۵/ ۱۳۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸/ ۲۸۰).

۵. آیه‌های هجده و نوزده

«لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا وَمَعَافٍ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا».

آیه هجدهم، اشاره به بیعت کنندگان زیر درخت دارد و اینکه خداوند از آنان راضی است و بیعت‌کنندگان را به فتحی نزدیک نوید می‌دهد. گویا پاداش بیعت، فتح است. مشخص است که فتح مکه هنوز رخ نداده است که آیه نوید فتحی نزدیک می‌دهد. در اینکه این فتح نزدیک کدام پیروزی است اختلاف نظر است؛ برخی آن را فتح خیبر می‌دانند که با فاصله نزدیک‌تری از حدیبیه اتفاق افتاده است (ر.ک: قرشی، ۱۰/ ۲۴۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸، ص ۲۸۶؛ اندلسی، ۱۴۲۰: ۹/ ۴۹۳؛ ابن عاشور، بی‌تا، ۲۸/ ۱۴۸؛ زمخشری، ۴۰۷/ ۴-۳۴؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۵/ ۱۳۴) و برخی آن را فتح مکه می‌دانند (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ۴/ ۱۹۷)؛ اما به قرینه سیاق (معانم فراوانی که در پی آن فتح آمده)، ظاهراً مراد آیه، فتح خیبر است. در هر حال، آیه نشان‌دهنده این است که سوره، پیش از فتح مکه نازل شده است.

۶. آیه ۲۴

«وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا».

برخی از جمله صاحب‌المیزان، مراد از نگهداری دست هریک از دو طایفه از آزار به طایفه دیگر را، همان صلح حدیبیه می‌دانند، که به وسیله آن خداوند دست کفار را از مؤمنین کوتاه کرده و به آنان پیروزی بخشید (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸/ ۴۳۱-۴۳۰).

۷. آیه ۲۷

«لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّسُلَ بِالْحَقِّ لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنِ شَاءَ اللَّهُ ءَأَمِينِينَ... فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا».

با توجه به این‌که لام در «لتدخلن»، «لام قسم» و «نون» در آخر آن برای تأکید است، این یک وعده قطعی الهی نسبت به آینده، از انجام مراسم عمره در نهایت امنیت است. جمله «فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا» اشاره به اسرار مهم صلح حدیبیه دارد که با گذشت زمان آشکار شد؛ پایه‌های اسلام تقویت یافت و آوازه اسلام در همه جا پیچید (ر.ک: مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴: ۲۲/ ۱۰۴-۱۰۶).

ارزیابی

درخصوص آیه نخست که مهم‌ترین قرینه بر اثبات زمان نزول سوره می‌باشد، ظاهراً تفسیر ابن عاشور، نسبت به نظر زمخشری و جصاص که «فتح» را فتح مکه می‌دانند، قوی‌تر است؛ زیرا فتح می‌تواند بر صلح نیز اطلاق گردد. به علاوه قرائن موجود در آیه نخست و آیات دیگر سوره، مؤید این قول هستند.

قائلان به ربیافت سوم، علت رجحان معنای فتح در آیه نخست به صلح حدیبیه را، روایتی از جابر و براء بن عازب می‌دانند که راویان این روایت مورد اعتمادتر از راویان روایات مقابل یعنی عایشه و انس بن مالک هستند. برابر مضمون روایت براء، وجود جریانی محتمل است که در مقابل این دیدگاه، «فتح» را فتح مکه معنا می‌کردند. ابن عاشور نیز به این مسئله اشاره کرده است (ابن عاشور، بی‌تا: ۲۶/ ۱۲۱-۱۲۲). ممکن است فراوانی روایات حدیبیه نیز به جهت مقابله با این جریان بوده باشد. درباره آیه‌های دهم، پانزدهم و هجدهم اختلاف نظر چندانی میان مفسران دیده نمی‌شود، برخی ارتباط آن با حدیبیه را بیان کرده (ر.ک: جصاص، ۱۴۰۵: ۵/ ۱۲۷۳؛ قرآء، بی‌تا: ۳/ ۶۴؛ قمی، ۱۳۶۷: ۲/ ۳۱۶؛ قشیری، بی‌تا: ۳/ ۴۲۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۶/ ۶۹؛ الفرقان؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۵/ ۱۷۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۵/ ۳۳؛ اندلسی، ۱۴۲۰: ۹/ ۴۸۳) و برخی به صورت مستقل تفسیر کرده‌اند (ابوحمزہ ثمالی، ۱۴۲۰: ۱/ ۳۰۷؛ تستری، ۱۴۲۳: ۱/ ۱۴۷؛ ابوعبیده، ۱۳۸۱: ۲/ ۲۱۷). درباره آیه بیست و وعده «فتحاً قریباً» به مؤمنان، می‌توان گفت: از آنجا که فتح مکه آخرین پیروزی مسلمانان است که اسلام بر سراسر جزیره العرب سیطره یافت پس قطعاً سوره، پیش از فتح مکه نازل شده که فتحی نزدیک را به مؤمنان نوید می‌دهد. و به قرینه آیه بعد

که غنیمت های فراوان را به همراه پیروزی نصیب مؤمنان می کند، این آیه پس از صلح حدیبیه و پیش از فتح خیبر نازل شده است.

در مجموع می توان گفت در سوره فتح، به صراحت به صلح حدیبیه اشاره نشده، اما ارتباط معنایی عمیقی میان آیاتی از سوره با صلح حدیبیه وجود دارد که بر جریان دیگری منطبق نمی شود، و بعید می نماید که بگوییم سوره دو سال پس از رویداد حدیبیه نازل شده باشد. در مجموع می توان گفت: در سوره فتح صراحتاً به صلح حدیبیه اشاره نشده، اما ارتباط معنایی عمیقی میان آیاتی از سوره با صلح حدیبیه وجود دارد که بر جریان دیگری منطبق نمی شود و بعید می نماید که سوره دو سال بعد از جریان حدیبیه نازل شده باشد.

تحلیل متنی - تاریخی این رهیافت

چنان که گفته شد، قدر متیقن این روایات، نزول سوره فتح در مسیر بازگشت از حدیبیه است که در پی اعتراض اصحاب به صلح حدیبیه اتفاق افتاد؛ چرا که اصحاب گمان می کردند صلح به ضرر ایشان است و آنها بدون طواف خانه خدا و ذبح قربانی، به مدینه بازمی گردند. در حالی که قریش با صلح حدیبیه، اولین قدم را برای پذیرش اقتدار پیامبر اکرم ﷺ به عنوان قدرت نظامی - سیاسی همتراز خود برداشته بود. قدرت نظامی پیامبر که از سال پنجم تا ششم هجری به صورت تدریجی افزایش می یافت، در سال ششم هجری با حرکت هوشمندانه آن حضرت به قصد طواف خانه خدا و انعقاد پیمان صلح حدیبیه، راه را برای اوج گیری اقتدار مسلمانان و پیشرفت روزافزون اسلام و پیروزی های بعدی باز کرد. هنگامی که بعد از جنگ احزاب، رسول خدا با قبایل بیابان گرد پیمان اتحاد بست، اسلام چندان قدرت داشت که می توانست مکه را با جنگ تصرف کند، اما پیامبر اکرم ﷺ با نبوغ سیاسی خود، تصرف مسالمت آمیز را در پیش گرفت؛ چنان که بعد از گذشت دو سال از صلح حدیبیه، مکه از دشمن مغلوب، به شریک فعال در اقدامات بعدی در گسترش اسلام تبدیل شد (سینایی، ۱۳۸۵: ۲/ ۹۹-۱۰۲).

از آثار صلح حدیبیه که به مثابه فتحی عظیم می ماند، می توان به موارد ذیل اشاره کرد؛ ایجاد فضای اجتماعی مناسب برای فعالیت های تبلیغی و مطرح شدن دعوت پیامبر ﷺ در میان قبایل عرب ساکن اطراف مکه؛ عیان شدن شکاف های درونی و بحران های جامعه مکه بر اثر



اقدام هوشمندانه پیامبر ﷺ در سفر برای عمره، که باعث شد آنان از موضع تهاجمی به وضعیت تدافعی تنزل کنند؛ دگرگون شدن روابط رسول اکرم ﷺ با قریش در نتیجه اقدام پیامبر ﷺ برای حج‌گزاردن به جای حمله نظامی، الگوی روابط آن حضرت را با قریش دگرگون ساخت و باعث شد قریش در قالب صلح، مسلمانان را به عنوان طرف برابر بپذیرند (همان، ص ۱۰۳).

نظر برخی خاورشناسان مبنی بر عدم نزول سوره فتح در جریان حدیبیه

از میان خاورشناسان به‌طور مشخص، آندریاس گورکه^۱ در مقاله «روایت تاریخی حدیبیه؛ پژوهشی درباره گزارش عروه بن زبیر»^۲ که یکی از سلسله مقالات کتاب شرح حال محمد ﷺ (ر.ک: گورکه، ترجمه آقایی، ۱۳۸۶: ش ۹، ۲۸۸-۲۹۰)، کوشیده است به بازسازی رویداد حدیبیه از منابع متقدم تاریخی بپردازد و عناصر تاریخی و اصیل این روایت را از بخش‌های غیر تاریخی و نامعتبر تمییز دهد. بر همین مبنا، وی به بازسازی روایت عروه بن زبیر می‌پردازد؛ چراکه فراوانی درخور ملاحظه‌ای نسبت به دیگر روایات داشته و روایت او، گزارش کمابیش کاملی از رویدادهای حدیبیه را داراست، همچنین اخبار بعدی بیشتر مبتنی بر روایت عروه هستند، و عروه یکی از مشهورترین عالمان سیره نبوی پیش از ابن اسحاق است.

در نتایج مباحث این مقاله، چند نکته درخور توجه است که تا حدودی مرتبط با تاریخ نزول سوره فتح می‌باشد: وی در خصوص ارتباط آیات این سوره با واقعه حدیبیه بر اساس گزارش عروه، چنین می‌گوید:

«در این سوره، تمامی اجزایی که در گزارش استناد دارد (جمع‌بندی گزارشات حدیبیه از منابع متقدم) آمده ولی در خبر عروه نیست، یافت می‌شود که عبارت‌اند از: بیعت رضوان، قبایل اطراف مدینه و خواب حضرت محمد ﷺ. البته سوره بیش از حد سرپیسته و مبهم است که بتوان صرفاً بر اساس آن حوادث حدیبیه را بازسازی کرد. مسئله قبایل اطراف مدینه که در چهار آیه سوره بدان اشاره شده، در روایات حدیبیه پیش از ابن اسحاق و واقدی نیست. به نظر می‌رسد، این عنصر اصالتاً در گزارش عروه وجود نداشته و بعدها اضافه شده است. همین موضوع درباره خواب پیامبر

۱. Andreas Gorke.

۲. "The Historical Tradition about al-hodaybiya: A Study of Urwa b.al-Zubayr's Account" in the Biography of Muhammad: The issue of the Sources. Ed. Harald Motzki. Leiden. ۲۷۵-۲۴۰. ۲۰۰۰.

صادق بوده و در آیه ۲۷ به آن اشاره شده است، در حالی که در گزارش عروه نیست. ابن اسحاق در برخی روایات آن را ذکر کرده و واقدی آن را بدون اسناد آورده است. در آیات ۱۸-۱۹ سخن از بیعت آمده که ظاهراً به حدیبیه مربوط می باشد، ولی با کمال تعجب عروه به آن ها اشاره نکرده است. در هیچ کدام از روایات هشام بن عروه و زهری که شاگردان عروه بودند نیز بیعت ذکر نشده و این عنصر در روایت عروه وجود نداشته است. بعید به نظر می رسد که بیعت اتفاق افتاده و عروه از گزارش آن غفلت کرده باشد. به خصوص این که در گزارشات متأخر، بیعت جزء لازم داستان معرفی شده است. احتمالاً آیات پیش گفته اساساً به حوادث حدیبیه مربوط نبوده و بعدها ربط داده شده است. تنها اشارات قرآنی که قطعاً به عروه برمی گردد، آیه ۱۰ سوره ممتحنه است... در منابع موجود، هیچ روایتی مضامین گزارش عروه را با عناصر قرآنی ترکیب نکرده است. در روایتی روز حدیبیه، روز غلبه روم بر ایران یاد شده که خبر آن در روز بیعت رضوان به پیامبر رسید. پارت، بر آن است که آیه نخست سوره فتح ناظر به بدر است، نه حدیبیه. رویین نیز روایاتی را آورده که به حوادث پس از فتح می پردازد، ولی قریش هنوز مشرک بوده اند. بنابراین، وی فتح را تصرف خیبر می داند که اندکی پس از صلح حدیبیه رخ داده است. هاوتینگ در این باره نظریه ای مطرح کرده و می گوید: مطالبی که به فتح کعبه می پردازد، به ندرت ضمن اخبار فتح مکه آمده، بلکه در دیگر سیاق ها ظاهر شده است. او نتیجه گیری می کند که این مطالب در اصل بخشی از روایت فتح مکه نبوده و بعدها بدان ملحق شده اند» (ر.ک: گورکه، ترجمه آقایی، ۱۳۸۵: ۸/۹۸-۲۶۰-۲۹۶).

نقد و بررسی دیدگاه گورکه

مقاله یاد شده مدعی آن است که این سه عنصر مهم (بیعت، خواب پیامبر ﷺ، قبائل اطراف مدینه)، در گزارش اصیل عروه نیامده اند، اما اولاً، کثرت نقل و شهرت یک روایت، دلیل بر صحت و نقص نداشتن آن نیست. چه اینکه بسیاری از روایات مشهور هستند که صحت آنها با خبری واحد به ضعف مبدل شده است. چنان که نزول سوره در بازگشت از حدیبیه از سوی صحابی ثقه یا غیر ثقه دیگری از جمله ابن مسعود، براء بن عازب، عمر بن خطاب، مجمع بن حارثه انصاری و جابر بن عبدالله انصاری و از تابعین چون انس بن مالک، شعبی، مجاهد و... نقل شده است؛



در حالی که شخصیت عروه را برخی موثق ندانسته‌اند. هرچند در مغازی او را نخستین کسی دانسته‌اند که صاحب تصنیف بوده است؛ اما مشخص نیست او اطلاعات خود را بر اشخاص املا می‌کرده یا به صورت مصتف درآورده است (همدانی، ۱۳۷۷: ۳). گفته شده است وی همراه و همفکر با امویان بوده (ابن عبد البر، ۱۴۱۲: ۴/۱۸۲۵) و در منابع کهن کینه و دشمنی او با علی علیه السلام نقل شده است (مسعودی، ۱۴۰۹: ۳/۷۷؛ تقفی، بی‌تا: ۲/۵۶۹) که نشان می‌دهد نمی‌توان به سیره‌نگاری که با گرایش‌های متأثر از سیاست و با بغض به اهل بیت پیامبر - به ضبط وقایع پرداخته، چندان اعتماد کرد. به علاوه، شواهدی وجود دارند مبنی بر اینکه عروه غیر از مسور و مروان نقل‌های دیگری (از عایشه و...) را با هم تلفیق کرده و روایت واحدی شکل داده است (گرزکه، ۱۳۸۵: ص ۲۷۶). زهری که از مهم‌ترین شاگردان عروه و مؤثرترین آنها در گسترش روایات عروه بوده است، روایت عروه را شفاهی و در قالب کلاس درس به شاگردانش منتقل ساخته و تنوع عبارات‌های شاگردان وی نشان‌دهنده نقل به معنا از سوی آنان است (همان: ۲۹۲).

گفته شده وی همراه و همفکر با امویان بوده (ابن عبد البر، ۱۴۱۲: ۴/۱۸۲۵) و در منابع کهن کینه و دشمنی او با علی علیه السلام نقل شده است (مسعودی، ۱۴۰۹: ۳/۷۷؛ تقفی، بی‌تا: ۲/۵۶۹) که نشان می‌دهد نمی‌توان به سیره‌نگاری که با گرایش‌های متأثر از سیاست و با بغض به اهل بیت پیامبر به ضبط وقایع پرداخته، چندان اعتماد کرد. به علاوه، شواهدی وجود دارد مبنی بر این‌که عروه غیر از مسور و مروان نقل‌های دیگری (از عایشه و...) را با هم تلفیق کرده و روایت واحدی شکل داده است (گرزکه، پیشین: ۲۷۶). زهری که از مهم‌ترین شاگردان عروه و مؤثرترین آنها در گسترش روایات عروه بوده، روایت او را شفاهی و در قالب کلاس درس به شاگردانش منتقل کرده و تنوع عبارات شاگردان وی نشان‌دهنده نقل به معنا از سوی آنان است (همان، ص ۲۹۲).

بنابراین، نمی‌توان گزارش تابعی غیر ثقه را اصل قرار داد و دیگر گزارش‌های صحابه را، هرچند به بخشی از واقعه حدیبیه اشاره دارند، به کنار نهاد.

رهیافت منتخب

به نظر می‌رسد از میان رهیافت‌های روایی، روایات مبنی بر نزول سوره در بازگشت از صلح حدیبیه میان مکه و مدینه، قوت بیشتری دارند. افزون بر مستندات روایی، این رهیافت که از

پنج صحابی و شش تابعی روایت شده است و در تحلیل متنی نیز صرف نظر از تعارض های ظاهری که حل شدنی اند، قدر متیقن همه روایات، نزول سوره در مسیر بازگشت از حدیبیه و در پی اعتراض اصحاب به رویداد حدیبیه است.

در نگاه تاریخی به رخداد حدیبیه از براینده تعاملات سیاسی و نظامی پیامبر ﷺ در فاصله سال های پنجم تا هشتم هجری برمی آید که اقتدار پیامبر ﷺ تا سال ششم تدریجی بوده و از سال ششم هجری با رخداد حدیبیه، شاهد اوج گیری اقتدار مسلمانان و گسترش روز افزون اسلام هستیم؛ چراکه صلح حدیبیه باعث شد قریش مسلمانان را به عنوان یک قدرت سیاسی و نظامی برابر با خود بپذیرد. افزون بر این، صلح حدیبیه نقطه آغاز پیروزی های بعدی اسلام است که اوج آن و نهایت آن در فتح مکه به وقوع می پیوندد و به نظر می رسد این فتح چون مقدمه دیگر فتوحات است، فتح مبین نام گرفته است.

از میان رهیافت های اجتهادی می توان گفت رهیافت سوم با آیات سوره هماهنگی و مطابقت بیشتری دارد، چنانکه بیشتر مفسران نیز آن را تقویت کرده اند. درباره سیاق کلی سوره نیز باید گفت که از براینده آیات این سوره، ارتباط آن با رویداد حدیبیه آشکار می شود و برخی آیات آن، از جمله بیعت با پیامبر ﷺ، تخلف کنندگان، مژده به فتحی نزدیک با غنائم فراوان و خواب پیامبر ﷺ را به حادثه ای جز حدیبیه نمی توان پیوند زد. درباره آیه نخست سوره و معنای فتح به «صلح حدیبیه»، تحلیل ابن عاشور صحیح تر و دقیق تر می نماید. بر پایه این تحلیل، فتح نمی تواند به فتح مکه اطلاق شود، بلکه فتح به معنای پیروزی در حدیبیه است که با غلبه همراه است. همچنین «فتح» در آیه اول، کاملاً هماهنگ با غرض اصلی سوره، یعنی اطاعت از پیامبر ﷺ به گونه ای همه جانبه و در همه امور است. رویداد حدیبیه بهترین مصداق اطاعت از رسول خدا است، در وضعیتی که همه اصحاب به طور قطع صلح را شکست تلقی می کردند و در کمال ناامیدی و ناراحتی به مدینه بازمی گشتند، اطاعت از امر پیامبر ﷺ و اعتماد به رأی او بسیار دشوار بود. و همین مسئله مهم است که سبب شد غنائم فراوان خیر به ایشان اختصاص یابد. آیه آخر نیز مؤید همین مطلب است.

به نظر می رسد علت سر بسته بیان شدن آیات آن است که غرض اصلی سوره محدود به یک جریان تاریخی نشود و اطاعت همه جانبه از رسول خدا ﷺ در همه شئون زندگی فردی و



اجتماعی حاکم باشد.

مؤید دیگر این رهیافت آیه پانزده سوره، مربوط به بادیه‌نشینان متخلف از جنگ و بیعت‌کنندگان است که برای بیعت‌کنندگان پاداش و برای متخلفان راه جبران در فتوحات بعدی قرار داده شده است. همچنین لسان آیه نشان از یک پیشگویی دارد؛ قبل از اینکه متخلفان در جنگ خیبر و غنائم آن همراه شما بیایند آیه نازل می‌شود: «... می‌خواهند سخن خدا را متبدل کنند، بگو هرگز از پی ما نخواهید آمد، خدا از پیش چنین گفته است...» و این پیشگویی باید پیش از اتفاق رخ داده باشد. افزون‌تر آنکه آیات هجده و نوزده سوره که فتحی نزدیک همراه با غنائم فراوان را نوید می‌دهند، منطبق با فتح خیبر هستند یا دست کم نزول سوره را پس از حدیبیه و پیش از فتح خیبر تقویت می‌کنند.

در آیه ۲۴ نیز بنا بر نظر برخی مفسران، ظاهراً مراد از نگه داشتن دست هر یک از دو طائفه از آزار به طائفه دیگر، همان صلحی باشد که در حدیبیه واقع شد، چون محل آن را بطن مکه معرفی کرده و حدیبیه نیز در نزدیکی مکه و بطن آن قرار دارد. آیه ۲۷ نیز اشاره به فتحی نزدیک دارد که برخی مفسران آن را به خیبر و برخی دیگر به فتح مکه تفسیر کرده‌اند (رک: ابن عاشور، بی‌تا: ۲۶ / ۱۶۹). براساس نظر گورکه، عناصر اصلی سوره در گزارش عروه نبوده‌اند ولی اثبات این مسئله وجود این عناصر را در گزارش‌های دیگر نفی نمی‌کند. چنان‌که گزارش‌هایی از دیگر صحابه ثقه و غیر ثقه، مبنی بر نزول سوره در بازگشت از حدیبیه وجود دارند. پس نمی‌توان به صرف فراوانی طرق آنها تنها به گزارش عروه برای رسیدن به تاریخ نزول سوره اکتفا کرد. گذشته از آن، بعید به نظر می‌رسد که آیات این سوره دو سال پس از واقعه و در فتح مکه بر پیامبر ﷺ نازل شوند. همچنین متن سوره بیانگر ارتباط نزدیک زمان نزول با واقعه حدیبیه است و راهکارهایی برای مقابله با متخلفان از فرمان الهی به پیامبر ﷺ ارائه می‌دهد و به متخلفان، جنگی نزدیک نوید می‌دهد که راه بازگشت و اطاعت فرمان الهی را بر آنها باز می‌کند.

مؤید دیگر آیه بیست سوره است که فتحی قریب به همراه غنائم فراوان را نوید می‌دهد. روشن است که فتح مکه آخرین فتح است که با آن اسلام عالم‌گیر شد. بنابراین، طبق لسان آیه نوید این فتح بر واقعه خیبر انتطابق قوی‌تری دارد و سوره در زمانی پیش از فتح خیبر و فتح مکه نازل شده است.

همچنین زمان نزول سوره فتح را باید پس از سوره نور و در ردیف نودوسوم شمرد؛ زیرا محتوای سوره فتح و نور به هم نزدیک‌اند و موضوع کلی هر دو، اطاعت بی‌چون و چرا از پیامبر ﷺ است و در اوضاع یکسانی نازل شده‌اند. جریان بنی‌مصطلق در سال ششم هجری اتفاق افتاده و جریان افک که در آیات یازده تا بیست سوره نور بیان شده است، پس از جنگ بنی‌مصطلق و در سال ششم هجری رخ داده است.

سه موضوع مشترک دو سوره عبارت‌اند از:

۱. ضرورت پای‌بندی مسلمانان به بیعت با پیامبر ﷺ در مسائل عمومی جامعه؛
۲. سرپیچی منافقان از دستور پیامبر ﷺ برای حضور در سپاه اسلام؛
۳. فقط افراد ناتوان از دستور شرعی معاف‌اند.

سوره فتح نمی‌تواند پس از سوره ممتحنه نازل شده باشد؛ چرا که با اشارات تاریخی سوره ممتحنه نمی‌سازد، سوره ممتحنه به سه حادثه تاریخی پس از حدیبیه و در آستانه فتح مکه اشاره دارد:

۱. آیات اول تا نهم، درباره نامه‌نگاری حاطب بن ابی‌بلتعبه به سران قریش در آستانه لشکرکشی به مکه؛

۲. آیات دهم و یازدهم درباره اسلام آوردن چند تن از زنان؛

۳. آیه دوازدهم به روش بیعت پیامبر ﷺ با زنانی اشاره دارد که به مدینه هجرت کردند (ر.ک.:

خامنه‌گر، ۱۳۹۵: ۴۲-۵۳).

نتیجه‌گیری

روایات اسباب نزول سه رهیافت را در خصوص زمان نزول سوره فتح به دست می‌دهند: رهیافت اول، نزول سوره را در مدینه پس از بازگشت از صلح حدیبیه و پس از به سخره گرفته شدن پیامبر ﷺ و مسلمانان از سوی یهودیان می‌داند. رهیافت دوم، بر اساس روایتی از امام رضا علیه السلام نزول سوره را در زمان فتح مکه دانسته و بنا بر رهیافت سوم که مشهورترین دیدگاه نزد مفسران است، سوره فتح در مسیر بازگشت از صلح حدیبیه و میان مکه و مدینه نازل شده است. پس از نقد و بررسی هر سه رهیافت، نزول سوره در مسیر بازگشت از حدیبیه به دلایل ذیل رهیافت



منتخب این مقاله است:

۱. ادله روایی رهیافت سوم بیشتر و قوی‌تر از دو رهیافت دیگر است؛ چنان‌که از پنج صحابی که در حدیبیه حضور داشتند، نقل شده و منافاتی با روایت امام رضا علیه السلام ندارد. روایت ابن عباس که زیربنای رهیافت اول است، به فرض صحت سند، با صلح حدیبیه و نزول سوره فتح، فاصله زمانی داشته و به نظر می‌رسد از قبیل روایات شأن نزول باشد.

۲. هرچند در سوره فتح به صراحت به صلح حدیبیه اشاره‌ای نشده است، اما ارتباط معنایی عمیقی میان آیاتی از سوره با صلح حدیبیه برقرار است که بر جریان تاریخی دیگری قابل انطباق نیست. از جمله، تفسیر واژه فتح در آیه نخست به صلح حدیبیه از سوی چند تن از صحابه که در حدیبیه حضور داشتند؛ و آیه پانزدهم که به فتحی نزدیک به همراه غنائم بسیاری نوید می‌دهد و آیه شانزدهم که چگونگی رفتار با متخلفان از جنگ و راه جبران آن را بیان می‌دارد.

۳. مقاله آندریاس گورکه بود، که می‌گفت تا پیش از ابن اسحاق و واقدی اساساً ارتباطی میان نزول سوره فتح با صلح حدیبیه نبوده و پس از آن، به گزارش عروه اضافه شده است. این مقاله ارزیابی شد و نتیجه آن بود که فراوانی گزارش عروه نشان‌دهنده صحت آن نیست و باید آن را در کنار دیگر روایات در خصوص سبب نزول سوره فتح که از صحابی مقدم بر عروه و حاضر در حدیبیه نقل شده‌اند، تحلیل کرد، ضمن اینکه شخصیت عروه در برخی منابع رجالی با اشکال جرح مواجه است.

۴. تحلیل وقایع تاریخی صدر اسلام نیز مؤیدی است بر رهیافت سوم؛ چرا که از برابری تعاملات سیاسی و نظامی پیامبر صلی الله علیه و آله در فاصله سال‌های پنجم تا هشتم هجری برمی‌آید که اقتدار پیامبر صلی الله علیه و آله تا سال ششم هجری تدریجی بوده و از سال ششم هجری با رخداد حدیبیه شاهد اوج‌گیری اقتدار مسلمانان و گسترش روز افزون اسلام هستیم. صلح حدیبیه سبب آن شد که قریش مسلمانان را به عنوان یک قدرت سیاسی و نظامی برابر با خود بپذیرد و نقطه آغاز پیروزی‌های بعدی اسلام و فتح مکه باشد.

منابع

• قرآن کریم

۱. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت؛ دارالکتب العلمیه منشورات محمدعلی بیضون، به تحقیق محمد حسین شمس الدین.
۲. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲)، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت؛ دارالکتب العربی.
۳. ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا)، التحرییر و التنویر، بی جا، بی نا.
۴. ابن عبدالبر، عمر یوسف ابن عبدالله (۱۴۱۲)، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، تحقیق محمدعلی بجاوی، بیروت؛ دارالجلیل.
۵. ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲)، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بیروت؛ دارالکتب العلمیه.
۶. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (بی تا)، غریب القرآن، بی جا، بی نا.
۷. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۸. ابو عبیده، معمر بن منی (۱۲۸۱)، مجاز القرآن، تحقیق محمد فؤاد سرگین، قاهره؛ مکتبه الخانجی.
۹. ابوحزمه ثمالی، ثابت بن دینار (۱۴۲۰)، تفسیر القرآن الکریم (ثمالی)، بیروت؛ دارالمفید.
۱۰. ابولفتح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد؛ بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۱. اسکندرلو، محمدجواد (۱۳۸۵)، مستشرقان و تاریخ‌نگاری در قرآن، قم؛ نشر پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
۱۲. اندریاس گورکه، ترجمه و تلخیص آقایی، سید علی (۱۳۸۵-۱۳۸۶)، روایت تاریخی حدیثیه- پژوهشی درباره گزارش عروه ابن زبیر، نامه تاریخ پژوهان، شماره ۸ و ۹، صص ۲۶۰-۲۹۶.
۱۳. اندلسی، ابوحیان محمد بن یوسف (۱۴۲۰)، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت؛ دارالفکر.
۱۴. انوری، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران؛ سخن.
۱۵. بحرانی، سیدهاشم (۱۳۱۶)، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران؛ بنیاد بعثت.
۱۶. بخاری، محمد ابن اسماعیل (بی تا)، صحیح بخاری، بی نا، ۸ جلد.
۱۷. بلخی، مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت؛ دار احیاء التراث العربی.
۱۸. بیضاوی عبدالله بن عمر (۱۴۱۸)، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت؛ دار احیاء التراث العربی.
۱۹. تستری، ابومحمد سهل بن عبدالله (۱۴۲۳)، تفسیر التستری، بیروت؛ منشورات محمدعلی بیضون، دارالکتب العلمیه.
۲۰. تعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲)، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت؛ دار احیاء التراث العربی.
۲۱. جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵)، احکام القرآن، بیروت؛ دار احیاء التراث العربی.
۲۲. خامدگر، محمد (۱۳۹۵)، «کشف استدلالی ترتیب نزول سوره فتح با روش روایی اجتهادی»، معارج، شماره ۳، صص ۳۳-۵۵.
۲۳. دروزه، محمد عزه (بی تا)، التفسیر الحدیث، بیروت؛ دارالغرب الاسلامی.
۲۴. زرکشی، محمد بن بهادر (۱۴۱۰)، البرهان فی علوم القرآن، بیروت؛ دارالمعرفه.



۲۵. زمخشری، محمود (۱۴۰۷)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت: دار الکتب العربی.
۲۶. سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد (بی تا)، *تفسیر بحر العلوم*، بی جا، بی تا.
۲۷. سینایی، سید عطاءالله (۱۳۸۵)، «تحوّل روابط پیامبر اعظم ﷺ از غزوه احزاب تا صلح حدیبیه»، *مجله تاریخ*، شماره ۲، ص ۸۵-۱۱۲.
۲۸. سیوطی، جلال الدین (۱۴۲۱)، *الإتقان فی علوم القرآن*، بیروت: دار الکتب العربی.
۲۹. سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴)، *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۳۰. شریف لاهیجی، محمد بن علی (۱۳۷۳)، *تفسیر شریف لاهیجی*، تهران: دفتر نشر داد.
۳۱. صادقی تهرانی، محمد (۱۴۱۹)، *البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن*، قم: مولف، چاپ اول.
۳۲. صدوق، محمد بن علی ابن ابویوه (۱۳۷۸)، *عیون اخبار الرضا*، مصحح: مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان.
۳۳. طباطبایی سید محمد حسین (۱۴۱۷)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
۳۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
۳۵. طبری ابو جعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالمعرفه.
۳۶. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۷. عبدالله بن محمد، ابن ابی شیبّه (۱۴۲۲)، *المغازی*، تحقیق: عبدالعزیز بن ابراهیم، ریاض: داراشیلبیا.
۳۸. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵)، *نورالتقلین*، قم: اسماعیلیان.
۳۹. فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰)، *مفاتیح الغیب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۰. فراء، ابوزکریا یحیی بن زیاد (بی تا)، *معانی القرآن*، مصر: دارالمصریه للتألیف و الترجمة.
۴۱. فیض کاشانی ملا محسن (۱۴۱۵)، *تفسیر صافی*، تهران: انتشارات صدر، تحقیق حسین اعلمی.
۴۲. قرشی سید علی اکبر (۱۳۷۷)، *تفسیر احسن الحدیث*، تهران: بنیاد بعثت، چاپ سوم.
۴۳. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴)، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
۴۴. قشیری، عبدالکریم بن هوازن (بی تا)، *لطائف الاشارات*، بی جا: هیئته المصریه العامه للکتاب.
۴۵. قمی علی بن ابراهیم (۱۳۶۷)، *تفسیر قمی*، قم: دارالکتب، تحقیق سید طیب موسوی جزایری.
۴۶. کلینی، محمد بن اسحاق بن یعقوب (۱۴۲۹)، *الکافی*، قم: دارالحدیث.
۴۷. محلی، جلال الدین و جلال الدین سیوطی (۱۴۱۶)، *تفسیر الجلالین*، بیروت: مؤسسه النور للمطبوعات.
۴۸. مسعودی، علی بن حسین (۱۴۰۹)، *مروج الذهب و معادن الجوهر*، داغر، یوسف اسعد، قم: مؤسسه دارالهجره.
۴۹. معرفت، محمدهادی (۱۳۸۱)، *علوم قرآنی*، قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
۵۰. مکارم شیرازی ناصر (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۵۱. نکونام، جعفر (۱۳۸۰)، *درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن*، تهران: هستی نما.
۵۲. همدانی، رفیع الدین اسحاق بن محمد (۱۳۷۷)، *سیرت رسول الله*، تحقیق اصغر مهدوی، تهران: خوارزمی.